

نقش مشارکت زنان در راستای تحقق اهداف توسعه روستایی در منطقه اجرایی پروژه بین‌المللی ترسیب کربن منطقه حسین آباد غیناب- استان خراسان جنوبی

نگارندگان: علیرضا یاری، بهاره چکشی^۱، فرشته فخر^۲

خراسان جنوبی- بیرجند- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری- مدیر اجرایی پروژه بین‌المللی ترسیب کربن

E.Mail: b_chakoshy@yahoo.com

چکیده:

پروژه بین‌المللی ترسیب کربن یک پروژه مشارکتی و کاری مشترک از دولت ایران و برنامه عمران ملل متحد (UNDP) می‌باشد که به لحاظ موقعیت جغرافیایی، این پروژه بخشی از اراضی شرق استان خراسان جنوبی و به علت همجواری با مرز افغانستان در گذشته باحضور پناهندگان افغانی به شدت تخریب یافته است. هدف از اجرای این پروژه در سطوح مختلف جهانی، ملی و محلی تعریف گردیده که رابطه پیوسته و سیستماتیکی را بین کاهش گرمایش جهانی با احیای اراضی در مناطق خشک و نحوه مدیریت منابع محیطی با مشارکت مردم محلی بیان می‌کند.

در حقیقت حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار نیازمند شیوه‌ای سیستماتیک و یکپارچه است که به دو عنصر انسان و طبیعت وابسته است که در این میان زنان نقش حیاتی در تربیت انسان و حفاظت محیط زیست دارند. توسعه پایدار بدون مشارکت نیمی از جمعیت جامعه (زنان) محقق نخواهد شد. این مساله بویژه در مناطق روستایی که زنان در کلیه مراحل تولید نقش موثری دارند، ملموس تر است. به منظور تحقق اهداف توسعه و ساماندهی به روند آن در منطقه اجرایی پروژه ترسیب کربن مشارکت و توانمندسازی جامعه محلی بالاخص گروه زنان، به عنوان ابزار اساسی برای مدیریت مراتع و فعالیت‌های اقتصادی مد نظر قرار گرفته و در این راستا به آموزش‌های متنوع جهت رشد سرمایه انسانی، تشکیل گروه‌های توسعه روستایی بعنوان سرمایه اجتماعی، صندوق‌های خرد اعتباری بعنوان سرمایه مالی و توسعه روستاها برای مردم و با کمک مردم بعنوان سرمایه فیزیکی و احیای مراتع در قالب واحد‌های مدیریت منابع طبیعی تحت عنوان سرمایه زیست محیطی توجه ویژه مبذول گردیده است.

در این مقاله که نتیجه پایش و مانیتورینگ تأثیرات اقتصادی و اجتماعی این پروژه طی سنوات متوالی می‌باشد، به جایگاه و نقش زنان روستایی در پیشبرد اهداف و دیدگاه‌های توسعه روستایی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: توسعه روستایی، مشارکت، زنان روستایی، حسین آباد غیناب، خراسان جنوبی

^۱ کارشناس ارشد منابع طبیعی- کارشناس اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان جنوبی

^۲ کارشناس ارشد منابع طبیعی- کارشناس پروژه بین‌المللی ترسیب کربن

۱- مقدمه:

یکی از مسائل مهمی که می بایست در دنیای امروزه بدان توجه خاص شود، بحث توسعه روستایی بخصوص در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. به جهت عدم سیاستگذاری و برنامه ریزی صحیح در راستای ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم این مناطق، مهاجرت روستائیان به شهرها به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته و موجبات رشد شهر نشینی و بروز مسائل و ناهنجاری های روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم آورده است. بررسی علل و عوامل مهاجرت روستائیان به شهرها که موجبات رکود اقتصادی بخصوص در بخشهای کشاورزی و دامداری را منجر می شود و همچنین راهکارهای رشد و توسعه روستایی، نیازمند مطالعه و تحقیقات عمیقی در این زمینه می باشد که می تواند حکومت ها را در برنامه ریزی و سیاستگذاری های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یاری نماید.

پر واضح است که در بهبود شرایط، نقش اصلی و اساسی را خانواده ها و در نهایت مردم بعهدده خواهند داشت و آنان هستند که باید با دخالت، همکاری و مشارکت در امور مربوط به خود و جامعه شرایط زندگی را بهبود بخشند. این امر زمانی تحقق می یابد که تساوی جنسیتی برقرار باشد و اصول اساسی برابری و عدالت اجتماعی حاصل شود و زنان همانند مردان در مشارکت و بهره وری فعالیت های توسعه ای شرکت نمایند و توانمندی های خود را در زمینه های مختلف به مرحله ظهور برسانند. لذا در صورتیکه یک جامعه و بخصوص زنان آن بتوانند با تکیه بر توانمندیهای خود در روند توسعه، مشارکت داشته باشند میتوان امیدوار بود که رفاه اجتماعی بوجود خواهد آمد.

زنان به عنوان یکی از گروه های تاثیرگذار، نقش مهمی در جوامع روستایی بر عهده دارند از این رو افزایش مهارت های زنان روستایی می تواند تاثیر زیادی در ارتقاء وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده های روستایی و در نتیجه زندگی روستائیان داشته باشد. گرچه تمام جوامع زنان روستایی به عنوان یک عامل مهم در نیل به اهداف توسعه روستایی مطرح بوده و در واقع نیمی از نیروی انسانی مورد نیاز توسعه روستایی می باشند، اما بنا به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عمل کمتر مورد توجه برنامه ریزان و دست اندر کاران مسایل روستایی واقع شده اند. زنان به عنوان یکی از عوامل غیر مشهود و نامرئی در اقتصاد دامداری و کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش های مزبور در سطح جهان را تشکیل میدهند.

در جوامع روستایی، بخش قابل توجهی از زنان نه تنها بایستی نقش کلیدیشان که عمدتاً در چارچوب اقتصاد خانه قابل طرح است را به عهده داشته باشند، بلکه در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز نقش رو به تزایدی را به دوش بکشند به جرات می توان ادعا کرد که در بسیاری از نقاط کشور بدون مشارکت زنان روستایی، امکان تداوم بعضی از فعالیتهای اقتصادی و تولیدی روستا غیر ممکن می باشد

و یا حداقل با بحران جدی مواجه خواهد شد. لذا باید به زنان و نقش آنان در توسعه توجه خاص صورت گیرد تا آنان دریابند که اولاً "مهم و کارساز هستند، ثانیاً" نیازهای آموزشی و خلاءهای فنی زیادی دارند و ثالثاً "تلاش جهت تقویت و توانمندسازی خود را نباید فراموش کنند.

ایجاد تشکل های محلی و سازمان های منطقه ای با حضور فعال زنان روستایی و مشارکت آنان جهت رفع مشکلات و معضلات موجود درخانوارهای روستایی از جمله موارد قابل توجهی در مبحث توسعه روستایی به شمار می رود. از اینرو، حمایت از زنان روستایی، آموزش و توانمندسازی آن ها بعنوان قشر تاثیرگذار و انتقال دهنده فرهنگ و ارزش ها، ضرورتی است که باید در برنامه ریزی های کشوری و منطقه ای مد نظر قرار گیرد. (عابدی-۱۳۸۸)

دسترسی روستائیان به آموزش در سطوح مختلف، امکان برخورداری آنان از فرصتهای شغلی مناسب و همچنین تجهیزات صنعتی، فنی و درمانی موجب خواهد شد که شهرها از حالت تمرکز و جذب سرمایه های داخلی و خارجی بیرون رفته و امکان توزیع عادلانه منابع و تسهیلات میان شهر و روستا فراهم گردد و دولت به جای تحمل هزینه های سنگین کنترل جمعیت شهر نشین، این هزینه ها را در جهت توسعه روستایی و حمایت از زنان روستایی که آسیب بیشتری در مواجهه با عدم امکانات می بینند و نسبت به مردان از نرخ مهاجرت بسیار کمتری برخوردارند و مجبور به انطباق با شرایط موجود و استفاده از امکانات موجود می باشند، به مصرف برساند. (عابدی-۱۳۸۸)

مشکلات روستائیان را از منظر خود آنها باید نگریست. برای این منظور، حل مشکلات روستائیان و بالاخص گروه زنان، نیازمند مشارکت دادن آنها در برنامه ریزیهای منطقه ای است. مشارکت مردمی در برنامه ریزی های مربوط به خودشان، ضمانت اجرایی طرح را بالا برده و همچنین از به هدر رفتن اعتبارات، منابع و امکانات جلوگیری خواهد نمود.

پروژه بین المللی ترسیب کربن دشت حسین آباد غیناب به منظور بسیج و توانمندکردن جوامع محلی، رهیافت مشارکتی را بکار برده تا خود مردم محلی مناطق تخریب یافته را احیا کنند. این پروژه با واگذاری مسئولیت های برنامه ریزی و مدیریتی محلی به سطوح عامه زن و مرد، جوامع هدف را قادر کرده است تا ضمن مدیریت بهتر منابع، مسئولیت بیشتری در تامین معیشت خود داشته باشند در این پروژه با مشارکت یکسان زنان و تساوی در تسهیم منافع، از زنان محلی برای تشکیل گروه های توسعه روستایی حمایت می شود و آن ها در امر احیای مراتع تخریب یافته نقش مهمی داشته اند. این پروژه با توجه به برابر بودن نقش زنان و مردان، بر مشارکت زنان روستایی در مراحل مختلف طراحی و اجرای برنامه های پروژه همپای مردان تاکید دارد.

در این مجموعه ضمن پرداختن به مبحث توسعه روستایی، به نقش و جایگاه زنان روستایی و مشارکت آنان در انجام فعالیت های اقتصادی و اجتماعی در این مقوله نیز پرداخته می شود.

۲- دیدگاه های نظری:

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ تر شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱) بروکفلید در تعریف توسعه می گوید: توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم. به طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را دربردارد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربرمی گیرد. (دانشور- ۱۳۸۶)

یوهان گالتونگ معتقدست که بایستی منظور از توسعه همان توسعه انسان ها مردم باشد. متخصصین بر نقش و نفوذ بیشتر انسان در فرآیند توسعه تاکید دارند و هماهنگ با یونسکو بر توسعه یکپارچه اصرار دارند که فرآیندی چند رابطه ای را می رساند و کلیه جوانب زندگی یک مجموعه و روابط آن با دنیای خارج در بر می گیرد. (Esteva-1992) گروهی از محققان بر این عقیده هستند توسعه ازخانه آغاز می شود. (Van-1982)

متخصصان یونسکو مفهوم توسعه بومی یا توسعه درون زا را ترویج دادند و طی آن تقلید از جوامع صنعتی یا تحمیل یک مدل فرهنگی واحد بر کل جهان را رد و پیشنهاد نمودند ویژگی های هر جامعه و تنوع فرهنگ های و نظام های ارزشی جوامع در فرآیند توسعه مورد توجه قرار گیرد. در این مقوله یکپارچگی اجتماعی مشارکت مردم و بسیج جوامع محلی و گروه های مختلف اجتماعی در جهت آرمان های جامعه مد نظر می باشد. (Reiffers- 1993)

منابع طبیعی تجدیدشونده، در ابعاد مختلف زندگی بشر نقش بسزایی ایفا می کند. در اثر رشد فزاینده جمعیت، گسترش

بی رویه شهرها و عدم آگاهی مردم به اهمیت منابع طبیعی و فقدان برنامه ریزی اصولی، سطح منابع طبیعی شدیداً کاهش یافته و به واسطه تخریب کمی و کیفی، منابع طبیعی در خطر نابودی قرار گرفته است. از طرفی به منظور دستیابی به توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی، جلب مشارکت های مردم بومی و ساکنین محلی امری ضروری می نماید.

هانیتون و نلسون معتقدند که در کشورهای در حال توسعه مشارکت اجتماعی بطور فراگیر، به خودی خود به عنوان یک هدف مطرح نیست و معمولاً تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست های آنها و یا محصول جانبی توسعه محسوب می شود. آنان معتقدند که فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق دو مجرا می تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بینجامد. (ر.ک. به بیس)

مطالعه دیگری نشان می دهد، نقطه مشترک پروژه هایی که مردم را مورد مشاوره قرار نداده اند، اطلاعات نادرست آنها درباره نهادهای محلی است. شروع اشتباه، منجر به ایجاد نهادهای نامناسب و پیشنهادهای غیر کارا می شود. لیکن پروژه هایی که دیدگاههای مردم را در مراحل طراحی و برنامه ریزی در نظر گرفته بودند،

در پیوند دیدگاه های محلی و ایجاد ساخت ها بر روی نهادهای موجود انعطاف پذیر بودند و در عمل اجرای موفقیت آمیزتری را نشان دادند. (World Resource Institute - 1994)

کبیر (یکی از دانشمندان توسعه روستایی) توانمندی را فرآیند تغییر موقعیتی که در آن توان انتخاب کردن برای افراد افزایش و دسترسی به منابع ایجاد می شود، بیان می کند. به هر حال جامعه ای که می خواهد به سوی توسعه حرکت کند اگر صرفاً به عوامل مادی توجه داشته باشد و تعالی انسانها و کاهش نابرابری ها را در نظر نگیرد به موفقیت دست نخواهد یافت. بعبارت دیگر سواد، تندرستی، تغذیه صحیح، تامین مسکن در جامعه جزو نیازهای اساسی زن و مرد، دختر و پسر که لازم است با لحاظ نمودن برابری جنسیتی مد نظر قرار گرفته و رعایت شوند چون از ارکان اصلی در توانمندسازی بشمار می روند.

فمینیسم به عنوان یک پیکره مستقل نظری - با جهت گیری زن محورش و با رویکرد میان رشته‌ای اش توصیف می شود: دو ویژگی که می تواند تئوری های فمینیستی را از دیگر جریانات متمایز سازد. نظریه های فمینیستی نه تنها به فهم وضعیت زنان و موقعیت آنان در میانه روابط نابرابر جنسی می پردازند، بلکه استراتژی های کارآمد را برای «بهرتر کردن وضعیت جهان اجتماعی به نحوی که این جهان را برای زنان و برای همه مردم به مکانی عادلانه تر بدل سازد» (ریترز، ۲۰۰۴) مورد شناسایی قرار می دهند. (خاویز - پیرا برونو - ۱۳۸۸)

نظرگاه زن در توسعه (WID)، با کمک به انگارش های زیرساختی تئوری مدرنیزاسیون، علت وضعیت غیرعادلانه زنان را جوامع سنتی ای می داند که مشخصه آنها مرد - استیلایی و اقتدارگرایی است (ویسوناتان، ۲۰۰۲). بادر نظر گرفتن رشد اقتصادی و تکنولوژی ملحق به آن، به عنوان کانال های اصلی مدرنیزاسیون، رویکرد زن در توسعه (WID) از الحاق زنان به توسعه اقتصادی دفاع کرده و وجوه مولد آنها را در اولویت قرار می دهد. در نظر WID زنان شاغل، پیش از هر چیز در نقش کارگری و مادری شان مورد مشاهده قرار می گیرند. در میان دانشمندان WID، بحث و گفت وگوها پیرامون ارزش کار زنان و نیاز به همساز کردن تئوری های موجود توسعه با چارچوب های فمینیستی معمولاً به روشنی بیان شدند. (تینکر، ۲۰۰۲).

ترویج دیدگاه های فمینیسمی در ایران به دهه های اخیر مربوط می شود، لذا این دیدگاه همزمان با برنامه های توسعه کشور و حرکت به سوی صنعتی شدن مبحث زنان، آزادی های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... شکل منسجم تری یافت. افزایش سطح تحصیلات زنان و حضور گسترده تر آنها در بازار کار باعث گردید تا سؤالات زیادی در اذهان آنها ایجاد شود و این سؤالات عمدتاً ناشی از نابرابری حقوق و امتیازات اجتماعی و اقتصادی آنان با مردان در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و از طرف دیگر عطف توجه سازمان ملل به حقوق بشر در ایران به روند حرکت زنان سرعت بخشید. (CRCIS-1388)

پیوستگی عمیق بین زنان و محیط زیست و همچنین نقش اساسی آنان در بهره برداری از منابع طبیعی بر کسی پوشیده نیست. پذیرفتنی است بگویم تشکل هایی که پیرامون محوریت زنان و با تکیه اولیه بر دانش ها و آگاهی های آنان شکل می گیرد، می تواند در حفاظت و احیای محیط زیست و منابع طبیعی مؤثر باشد. طی چند دهه اخیر گرایش به استفاده از نیروهای تشکل یافته زنان برای حفاظت از محیط زیست رو به فزونی

است. کشورهایمانند هند و کنیا از جمله ممالکی هستند که به بهره‌گیری از مدیریت و توانمندی‌های بانوان دست‌یازیده‌اند. جنبش «چیپکو» در هند و همچنین جنبش «کمریند سبز» در کنیا بر نیرو و دانش زنان عادی به ویژه در روستاها تأکید کرده و پایه کار خود را بر بهره‌برداری از این نیروها گذارده‌اند. این جنبش‌ها به رغم بهره‌مندی از برخی حمایت‌های دولتی به طور خودجوش به وجود آمده و بر عوامل فرهنگی و دانش بومی زنان هر منطقه تأکید کرده و بر مبنای نیازها، مسائل و مشکلات ملی - منطقه‌ای خود شکل گرفته است. آنها همت خود را مصروف تولید کار و رفع نیازهای آتی توده مردم نموده و تلاش کردند، در جستجوی راهکارهایی باشند که ضمن همسو قرار دادن نیازهای مردم و سرنوشت طبیعت، برای هر دوی آنها چاره‌جویی نمایند. (unesco-1995)

اجتماعی شدن به زنان می‌آموزد که خود را با هنجارهای غیر قابل انعطاف رفتاری، نقش‌های غیر قابل انعطاف تعیین شده، قوانین غیر قابل انعطاف حاکم بر روابط، تصورات و ادراکات غیر قابل انعطاف از خود تطبیق دهند. از اینرو ایجاد یک شغل با اهداف فوق‌بگونه‌ای که ذینفعان دارای روحیه مشارکتی بتوانند با عضویت در آن جایگاهی برای فعالیت در راستای رفع نیازها و حل مشکلات خود و ذینفعان آن اجتماع بیابند و نیز فعالیت آنها هدفمند، جهت‌دار و دارای پشتوانه گردد گام مهمی در توسعه است و میتواند به ایجاد احساس کنترل، مالکیت و تاثیرگذاری در ارتقا و سلامت فردی و جمعی بیانجامد.

یک نظریه که مبتنی بر نوعی ارزیابی از پروژه‌های توسعه روستایی در کشورهای رو به توسعه می‌باشد؛ حاکی است که بیشتر این فعالیتها با موفقیت روبه‌رو نبوده‌اند. این نظریه با طرح سؤال «اقتضای در کجا رخ داده است؟» نارسایی اساسی پروژه‌های توسعه روستایی رایج را در عدم مشارکت زنان روستایی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای می‌داند و تأکید دارند اکثریت وسیعی از زنان روستایی فاقد تشکیلاتی و سازمانی برای بیان خواسته‌هایشان بوده؛ آنان فاقد آگاهی برای دستیابی به امکانات و دسترسی بیشتر به منابع و بازار و غیره هستند و در نهایت این نظریه نتیجه‌گیری می‌نماید تنها از طریق مشارکت کامل و فعال زنان روستایی، توسعه روستایی مفهوم واقعی خود را می‌یابد. (جعفری-۱۳۸۸)

۳- توانمندسازی زنان روستایی

تواناسازی فرآیندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در تعیین سرنوشت خود شود. توانمندسازی زنان بطور اخص مقوله‌ای است که به وسیله آن، زنان ضمن دخالت در فرایند تصمیم‌سازی بر برنامه‌های زندگی خود کنترل داشته و بدینوسیله دامنه انتخاب‌گزینه‌ها در زندگی افزایش می‌یابد. لازمه توانمندسازی وجود دو فرایند مهم می‌باشد: ایجاد ساختارهای اجتماعی و وجود امنیت مالی.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به خصوص کشورهای جنوب آسیا، برای توانمندسازی زنان و جلب مشارکت آنها بعد از تشکیل سازمانهای محلی از پس انداز خود زنان و اعطای وام‌های خرد از این محل برای ایجاد اشتغال بهره‌گرفته می‌شود. تشکیل گروههای سازمان‌یافته زنان که دارای صندوق خرد اعتباری می‌

باشند منجر به کاهش آسیب پذیری افراد فقیر می گردد چون جدا از درآمد زایی، سطح دانش و مهارت آنها نیز افزایش می یابد.

فرآیند توسعه شامل مشارکت گروه های هدف نیز می باشد و افراد قابلیت های توسعه ای خویش را در مورد تشخیص وفائق آمدن بر مشکلات تقویت می نمایند. چنانچه مساوات بین زن و مرد محور تعریف توسعه امور زنان باشد، این مساله به همراه خود لزوم تفویض اختیارات به زنان را برای فائق آمدن بر تنگناهایی که در امر مساله برابری زنان در جوامع مردسالاری وجود دارد را در بر می گیرد. در یک بحث کلی می توان اختیارات زنان را در پنج مرحله برابری نشان داد و باید در نظر داشت که مساله اختیارات زنان یک بخش اساسی از فرآیند توسعه در هر مرحله می باشد. به عبارتی فرآیند توسعه امور زنان در پنج مرحله از برابری قابل تعیین است. این پنج مرحله منجر به افزایش برابری و نهایتاً "به افزایش توانایی زنان منجر می شود که عبارتند از: رفاه، دسترسی به عوامل تولید، آگاهی(دانش)، مشارکت و کنترل.

خلاصه اینکه در مشارکت مطلوب و کارآمد زنان در توسعه ابتدا باید نقش آنان در جریان توسعه را به درستی مشخص کرد و سپس موانع مربوط به ایفای نقش آنان را شناسایی و توجه نمود که آنان هم در امور داخل و هم فعالیت های خارج از خانه نقش مهمی دارند. ضمن این که توانایی دارند که نقش مادر، همسر، تولید کننده، مدیر و برنامه ریز را به خوبی ایفا نمایند.

در کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه به ویژه در مناطق روستایی، بدون توجه به آن که زنان سرپرست خانوار باشند یا نه، مشارکت آنان در تأمین درآمد خانواده به اندازه مردان مهم است. هر چند اطلاعات مدونی از فعالیت اقتصادی زنان بخصوص در روستاها وجود ندارد اما واضح است که نقش موثری را در اقتصاد خانوار ایفاء می نماید. از سوی دیگر یکی از مهمترین پیامدهای ناخوشایند برای زنان از دست رفتن منابع سرمایه ای آنان است. منابع سرمایه ای که اگر با ساز و کار مشخص پس انداز گردند میتوانند موتور محرکه ایجاد مشاغل مولد بحساب آیند. از سوی دیگر، موسسات مالی و بانک ها وام گیرندگان تهیدست را وام گیرندگانی مخاطره آمیز می دانند. از اینرو کشاورزان و دامداران فقیر و بویژه زنان، اغلب از دستیابی به اعتبارات بی بهره اند. لذا هزینه های وام گیری برای آنها به دلیل شرایطی که وامهای رسمی دارند اغلب بالاست. بنابراین زنان غالباً مجبورند به منابع غیر رسمی وام مراجعه کنند و وام دهندگان غیر رسمی عموماً حاضر نیستند برای فعالیت های مبتنی بر نوآوری وام پرداخت کنند در نتیجه امکان بازسازی اشتغال و یا ایجاد یک فعالیت جدید و مولد معمولاً از دست می رود. لذا در چنین مواردی وامهای خرد حاصل از پس انداز مردم به عنوان یک راهکار در جهت ایجاد مشاغل خرد برای اقشار فقیر و به ویژه زنان و توانمندی آنان می باشد.

پس اندازه های ناچیز مردم محلی در قالب صندوقهای خرد اعتباری و اعطای وامهای اشتغالزایی مولد به متقاضیان آموزش دیده با تاکید بر زنان روستایی و افراد کم بضاعت نقش موثری را دارا می باشند. در دفاع از برنامه وامهای خرد گفته می شود که اعتبارات خرد، توانایی زنان روستایی را برای دسترسی به منابع کسب و کار افزایش و باعث می شود که اعضای خانوار خود در رفاه اجتماعی سرمایه گذاری کنند، این توانمندی

اقتصادی به خود اتکایی و اعتماد به نفس بیشتر آنان می انجامد و آنها را قادر می سازد که در سایر مسائل زندگی نیز حقوق خود را درخواست کنند.

توانمندسازی در حقیقت سازماندهی زنان در قالب سازمانهای محلی یا گروههای توسعه‌یافته است. گروههای توسعه معمولاً گروههای غیر رسمی هستند که اعضای آن درک مشترکی از نیاز و اهمیت یکسانی برای یک عمل مشترک جمعی قائل هستند. به این منظور پروژه بین‌المللی ترسیب کربن فعالیتهای مختلفی را جهت بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان و دختران منطقه با در نظر گرفتن اصل تساوی جنسیتی از ابتدای پروژه تا کنون انجام داده که در ادامه به دستاوردهای مهم در این زمینه اشاره می‌کنیم. از برنامه‌های مهم پروژه در راستای افزایش مشارکت زنان در امور اجتماعی تشکیل گروه‌های توسعه زنان در روستاهای منطقه است. هدف از تشکیل این گروهها ایجاد همکاری بین زنان روستایی، شناخت قابلیت‌های زنان در این گروهها، مشارکت جهت رفع این مشکلات و انجام فعالیتهای درآمدزا توسط زنان روستایی می‌باشد. این گروهها که در آن همه اعضا حقوق مساوی دارند، فرصت تصمیم‌گیری برای تعیین اولویتهای توسعه‌ای بوجود آمده و توزیع امکانات عادلانه صورت می‌گیرد، امکان مدیریت مردم محلی برای بهره‌گیری از پس‌انداز بوجود آمده بصورت سازمان یافته می‌تواند از خدمات درونی و بیرونی استفاده نموده، با تشکیل منظم جلسات به تمرین مدیریت خود اتکایی و فعالیت منظم حرفه‌ای بپردازد.

۴- روش تحقیق:

این مجموعه بر اساس مطالعات میدانی انجام شده که با کمک تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و تهیه پرسشنامه صورت گرفته است. جمع‌آوری داده‌ها بر اساس تکمیل و تنظیم پرسشنامه‌های جامع با توجه به اهداف مدنظر و در جهت دست‌یابی به اطلاعات مربوط به خانوار و گروههای توسعه روستایی بوده است. اساس کارشناسی سئوالات جامعی در قالب پرسشنامه‌های خانوار، گروههای توسعه روستایی و ارزیابی وام‌های اعطاشده از طرف پروژه و صندوق گنجانده شده است. اعتبار و روایی پرسشنامه‌ها تعیین و پس از اتمام پرسشگری داده‌ها ثبت و در نرم‌افزار SPSS آنالیز و تجزیه و تحلیل گردید.

۵- معرفی اجمالی محدوده اجرایی پروژه ترسیب کربن:

حوضه آبریز دشت حسین آباد غیناب با مساحت ۲۲۵۰۰۰ هکتار در محدوده شهرستان سربیشه- استان خراسان جنوبی- واقع است. در این دشت حدود ۴۰ آبادی با جمعیتی حدود ۱۲۰۰ خانوار با بعد ۴/۵ نفر مستقر می‌باشد که معیشت آنها عمدتاً از طریق دامداری و فعالیت‌های زراعی محدود تامین می‌شود. از تعداد کل افراد جمعیت ۵۲ درصد را زنان بخود اختصاص داده است. در منطقه دشت حسین آباد غیناب سربیشه مشارکت زنان روستایی نقش موثر و مهمی در پیشبرد اهداف طرح و موفقیت بالای برنامه‌ها و پروژه‌ها و توانمندسازی زنان و رفع تبعیض‌های جنسیتی داشته است که در ادامه به اهم این نتایج اشاره خواهد شد.

۶- نتایج:

مروری بر ادبیات اعتباری خرد نشان می دهد که در مناطق روستایی و در نظام دامداری و کشاورزی معیشتی واحد خانوار از واحد تولید جدا نیست بنابراین استفاده از وام به در راستای اهداف مختلف به معنای سرمایه گذاری و افزایش کارایی نیروی کار است.

لازمه مشارکت مردم ومدیریت مشارکتی وجود زیرساختهای آن است. برای نهادینه شدن این مهم در زمان شروع پروژه پس از تشکیل جلسات متعدد توجیهی و آموزشی و ایجاد انگیزه لازم جهت تشکیل یک سازمان اجتماعی در پی گذر زمان وبرنامه های متعدد، بتدریج گروه های توسعه روستایی (VDG³) متشکل از گروه های منفک زنان، مردان و مختلط بامدیریت روسا که اغلب افراد ذی نفوذ و مقتدری هستند و منشی های گروه شکل گرفت.

تشکیل گروه ها یکی از بزرگترین دستاوردهای این پروژه بین المللی محسوب می شود چراکه این سرمایه اجتماعی مهم چنانچه بتدریج اهمیت تلاشهای گروهی را دریابد پایدار می ماند و می تواند نقش مهم و اساسی را در آینده داشته باشد. در داخل گروه های توسعه روستایی براساس انتخاب آموزش مهارتهای لازم برای زنان بعنوان یکی از ابراز های اساسی اشتغال و درآمدزایی مورد هدف قرار دارد. به منظور تامین سرمایه اولیه برای کار بر مبنای فعالیتهای پیشنهادی و مورد توجه گروه، صندوق های اعتباری خرد متشکل از پس اندازهای کوچک افراد که طی نشست های دو هفتهگی مشورتی انجام میشود، استفاده شد و با گردش این اعتبارات کوچک، فرصت های دیگری برای جامعه محلی مهیا گردید. بعلاوه پروژه با اعطای وام تولیدی به گروهها بر حسب درخواست زمینه فعالیت های بیشتری را فراهم نموده است.

در پروژه ترسیب کربن زنان یکی از ارکان اصلی توسعه روستایی می باشند و تا کنون ۷۳۲ نفر از زنان منطقه عضو گروه های توسعه روستایی (دو شکل گروه زنان و گروههای مختلط) می باشند. همچنین زنان موفق شده اند حدود ۳۶۰ میلیون ریال پس انداز نمایند. نکته مهم این است که بهترین و منظم ترین گروه ها در بین گروه های توسعه منطقه را گروه های زنان از لحاظ برگزاری جلسات، مبلغ پس انداز و تصمیمات اخذ شده تشکیل می دهند.

کلیه دریافت کنندگان وام اظهار داشتند که پس از دریافت وام به رای(نظر) آنها در خانواده اهمیت بیشتری داده می شود و یکی از مهمترین محاسن صندوق برای اعضاء، جلسات هفتگی آن است که باعث می شود، کسانی که قبلا در چنین جلساتی شرکت نداشته اند و در حال حاضر شرکت فعال دارند و از مشکلات جامعه روستایی باخبر و برای آن چاره اندیشی کنند، با دیگران بهتر ارتباط برقرار کرده و نظرات و پیشنهادات دیگران را در کارهای خود مهم جلوه دهند. در صورتیکه در کار خود به مشکلی برخورد نمایند، مشکل را با مطرح نمودن در گروه مرتفع می کنند و اعتماد به نفس قوی تری پیدا کرده و عملا ثابت گردیده است که زنان هم می توانند همانند مردان در امر توسعه و حل مشکلات روستا نقش بسزایی داشته باشند.

³ Village development Groups

گروه های توسعه روستایی از محل پس انداز درون گروهی تا کنون بیش از ۶۰۰ میلیون ریال در قالب تسهیلات وام به ۴۹۸ نفر از اعضای زن گروه های توسعه روستایی برای طرح های مولد و خدماتی اعطا نموده اند. یکی از نکات بارز در این خصوص فعالیت بیشتر گروه های زنان جهت بهره گیری و چرخش موجودی صندوقشان در قالب اعطای وام به اعضای متقاضی می باشد بطوری که بیشترین تعداد وام از محل صندوق های خرد اعتباری متعلق به گروه های زنان می باشد.

ارزیابی ها نشان می دهد که طی چند سال اخیر به تدریج در فرهنگ روستا تغییراتی مشاهده شده و در راستای تحقق مصادیق برابری جنسیتی خانواده کمتر با کار و تحصیل زنان در خارج از خانه مخالفت می شود و صندوق اعتباری خرد نیز این تغییر فرهنگ را تقویت کرده است. از طرفی چون امکان کار برای زنان خانه دار و خروج از خانه برای آنها فراهم شده است آنها امیدوارند این صندوق به یک بانک کوچک پایدار تبدیل شود و به ویژه برای زنان امکان کار پایدار فراهم نماید، اما در عین حال اعضای صندوق اعتقاد دارند که بایستی بانکی با تنوع خدمات مالی ایجاد شود و دوره های آموزشی برای حرفه آموزی در کنار آن بوجود آید.

اولین شاخصه توانمندسازی زنان، میزان دخیل بودن آنها در فرایند اخذ تصمیمات مهم خانواده می باشد که این مسئله به تاثیر آنها در درآمدزایی خانواده مرتبط می باشد. شرکت در دوره های آموزشی مهارت شغلی و مدیریت، میزان تحرک (Mobility) آنها را افزایش داده و این مسئله بر میزان دانش و آگاهی آنها موثر است. موضوع مهم دیگر این است که شرکت در جلسات هفتگی و ارتباط با سایر اعضا، اعتماد به نفس آنها را افزایش داده و به آنها قدرت اظهار نظر و بیان دغدغه های توسعه ای خود را می دهد. حتی آنها شانس مدیریت گروه خود را طی جلسات پیدا می نمایند و در نهایت زنان هراس کمتری از اینکه مردان آنها را رها کنند خواهند داشت.

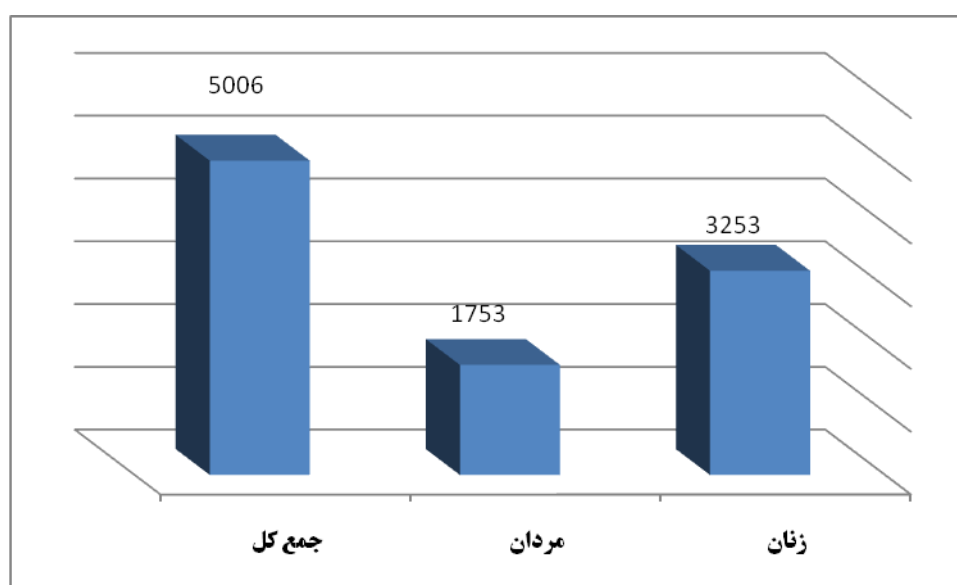
آموزش زنان روستایی باعث بهبود مشارکت آنان در فعالیت های اجتماعی شده و آن را ارتقا می بخشد. هدف سرمایه گذاری انسانی آموزش مهارت های شغلی و حرفه ای، توسعه دانش و مهارت فردی و ایجاد فرصت برای ورود به بازار کار است. بنابراین آموزش زنان می تواند منجر به افزایش توانمندی های این قشر شده و زنان با قابلیت های بیشتری در عرصه های اجتماعی وارد شوند. پروژه ترسیب کربن نیز در راستای فرهنگ سازی و رسیدن به اهداف ذکر شده اقدام به برگزاری یک سری دوره های سوادآموزی برای مردم منطقه حسین آباد غیناب از جمله زنان نموده است بطوری که در این مدت ۳ دوره نهضت سوادآموزی در ۳ روستا و با حضور ۵۲ نفر زن عضو گروه های توسعه روستایی برگزار شده است.

یکی از راه های آموزش مسایل زیست محیطی که پروژه در طول سال های مختلف بدان اهمیت فراوانی داده است برنامه های آموزشی زیست محیطی در مدارس بوده است. قسمت اعظمی از دانش آموزان مدارس (بیش از ۴۶.۵٪) را دختران که مادران آینده می باشند تشکیل می دهند که این آموزش ها می تواند تاثیر بسزایی در فرهنگ سازی نسل های آینده نیز داشته باشد.

با هدف توانمندسازی زنان و حضور فعال آنان در زمینه های اقتصادی، ۱۱۳ دوره آموزشی مهارتی (اشتغالزا) برای ۱۳۶۱ نفر از اعضای زن گروه های توسعه روستایی برگزار شده است. لازم به ذکر است که این دوره های آموزشی بر اساس نیازها و ظرفیتهای منطقه و بنا به درخواست گروههای توسعه روستا انجام شده است.

جدول شماره (۱) آموزش های برگزار شده از ابتدا تا پایان سال ۲۰۱۳

نوع آموزش	تعداد دوره			تعداد افراد آموزش دیده (نفر روز)						
	تا پایان ۲۰۱۲	در سال ۲۰۱۳	جمع	تا پایان ۲۰۱۲			در سال ۲۰۱۳			
				زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	
اشتغالزا	۷۸	۳۵	۱۱۳	۷۲۸	۴۳۸	۱۱۶۶	۶۳۳	۲۲۷	۸۶۰	۲۰۲۶
غیر اشتغالزا	۸۳	۵۳	۱۳۶	۱۰۸۰	۷۰۳	۱۷۸۳	۸۱۲	۳۸۵	۱۱۹۷	۲۹۸۰
جمع	۱۶۱	۸۸	۲۴۹	۱۸۰۸	۱۱۴۱	۲۹۴۹	۱۴۴۵	۶۱۲	۲۰۵۷	۵۰۰۶



نمودار شماره (۱) : تعداد افراد آموزش دیده تا پایان سال ۲۰۱۳ در محدوده پروژه ترسیب کربن

یکی از فعالیت های مهم پروژه در راستای ایجاد شغل های درآمدزا و مولد در منطقه، اعطای وام به طرح های اشتغالزا و خدماتی اعضای گروه های توسعه روستایی از محل اعتبارات پروژه و نیز پس انداز اعضای گروه های توسعه می باشد. ابتدا متقاضیان طرح های خود را در جلسه گروه توسعه مطرح و این طرح پس از تصویب در گروه به هسته مدیریت پروژه متشکل از نمایندگان مردم محلی (۳ نفر) و مدیر اجرایی پروژه ارسال می گردد و در صورت تصویب در این هسته، وام به متقاضی پرداخت می گردد. تا کنون به اعضای گروه های توسعه حدود ۱۸۹ میلیون تومان به ۵۲۶ نفر از اعضای زن گروه های توسعه اعطا شده است. نکته قابل توجه این است که گروه های زنان در بازپرداخت اقساط منظم تر بوده ولی بطور کلی زنان به دنبال دریافت وام های کوچک می باشند. آنها معمولاً قادرند با وام های کوچک برای خود شغل های کوچک درآمدزا بوجود آورند. اعطای این وامها که بدون وثیقه و طی مراحل طولانی بانک ها صورت می گیرد برای مردم روستا بویژه زنان بسیار کارگشا و امیدوارکننده بوده است.

زنان منطقه حسین آباد غیناب نیز مانند همه زنان روستایی کشور حضور فعالی در فعالیتهای اقتصادی منطقه شامل کشاورزی، دامداری و علی الخصوص صنایع دستی دارند. یکی از فعالیتهای پروژه ترسیب کربن در راستای بازاریابی محصولات تولیدی گروه های توسعه روستایی، شرکت زنان عضو گروه های توسعه روستایی در نمایشگاه های مختلف و عرصه صنایع دستی و محصولات تولیدی خود می باشد. معمولاً قسمت اعظمی از آنچه در نمایشگاهها به نمایش در می آید حاصل کار اعضای زن گروه های توسعه روستا می باشد که یا صنایع دستی منطقه بوده و یا تولیدات اعضای گروه های روستاست که پس از طی دوره های آموزشی پروژه آنها را با هدف درآمدزایی پس از اخذ وام تولید نموده اند. تا کنون با همکاری پروژه، گروه های توسعه روستا در ۲۷ نمایشگاه داخل و خارج استان حضور یافته اند که مدیریت این نمایشگاهها نیز در بیش از ۹۰ درصد مواقع بر عهده نمایندگان زن گروه های توسعه روستائی منطقه بوده است.

مساله مهم دیگری که در محدوده اجرایی این پروژه مدنظر کارشناسان واقع شده توجه به امر تخریب مراتع می باشد. تخریب مراتع در منطقه توسط دو عامل انسانی و طبیعی صورت می گیرد. عوامل طبیعی که باعث تخریب مراتع شده اند عبارتند از: خشکسالی های ده ساله اخیر، بادهای ۱۲۰ روزه، هجوم ماسه های روان، محصور شدن توسط ارتفاعات کوهها و... و عوامل انسانی شامل چرای زودرس و تخریب بیش از حد مراتع از بذر دهی و چرای مازاد بر ظرفیت مراتع، بوته کنی و لگد کوبی بر اثر تردد دام زیاد که به تخریب شدید منطقه منجر شده است. در این زمینه، صندوق های خرد اعتباری و گروه های توسعه روستا با همکاری پروژه تصمیم به اتخاذ راهکاری نموده اند که از تخریب جلوگیری نمایند که از این قبیل راهکارها رعایت فصل چرا، رعایت ظرفیت چرا، قرق و رعایت حریم آن و جایگزین کردن انرژیهای نو بجای سوختهای مرتعی و واگذاری مدیریت مراتع به صورت مشارکتی به ذینفعان است.

زنان از انرژیهای جایگزین و فن آوری های نو جهت سوخت و پخت و پز استفاده می نمایند و تمام خانوارها بدون استثنا از تنورگازی جهت پخت نان استفاده می کنند و پخت نان با استفاده از تنورگازی به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده است و در نتیجه بوته کنی از مراتع کاهش یافته است. همکاری و مشارکت مردم در

مدیریت مراتع افزایش یافته است. قبل از اجرای پروژه اداره منابع طبیعی مدیریت مراتع را بر عهده داشته است ولی در حال حاضر خود روستاییان عملیات نهالکاری، احیا، قرق و تولید نهال و نگهداری را انجام می دهند و بوته کنی بشدت کاهش یافته است.

یکی از اهداف پروژه ترسیب کربن، احیای مراتع تخریب یافته منطقه حسین آباد با مشارکت مردم می باشد که زنان در این میان نقش بارزی را ایفاء می کنند. بیشتر فعالیت های تولید نهال در خزانه های منطقه با توجه به اینکه ظرافت خاصی دارد بر عهده اعضای زن گروه های توسعه روستا می باشد. جمع آوری بذور گیاهان مرتعی از سطح مراتع منطقه حسین آباد یکی دیگر از فعالیت های مهمی است که زنان در آن نقش دارند. بذور جمع آوری شده در عملیات احیاء مورد استفاده قرار می گیرد. زنان همپای مردان در کارهای مربوط به کاشت و احیاء در عرصه نیز مشارکت می کنند.

جدول شماره (۲): وضعیت گروه های توسعه مشارکت کننده در امر احیا عرصه های منابع طبیعی

سال	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	کل	
زن	۳	۵	۵	۳	۳	۳	۴	۴	۷	۱۰	گروه های توسعه مشارکت کننده
مرد	۴	۵	۵	۳	۳	۲	۶	۱۶	۱۰	۱۶	
مشترک	۳	۱۰	۱۰	۸	۴	۴	۷	۴	۳	۱۰	
کل	۱۰	۲۰	۲۰	۱۴	۱۰	۹	۱۷	۲۴	۲۰	۳۶	
زن	۴۷۲	۶۴۳	۶۶۲	۱۱۸۶	۷۰۰	۱۲۶۲	۱۰۰۴	۲۲۰	۲۱۹	۶۳۶۸	افراد
مرد	۷۲۵	۱۱۲۰	۱۲۱۵	۲۳۰۴	۲۳۴۶	۲۳۱۱	۱۰۳۳	۸۱۴	۲۱۵۸	۱۴۰۹۶	
کل	۱۱۹۷	۱۷۶۳	۱۸۷۷	۳۴۹۰	۳۰۴۶	۳۵۷۳	۲۰۳۷	۱۱۰۴	۲۳۷۷	۲۰۴۶۴	
روستا	۴	۸	۸	۷	۴	۵	۱۰	۶	۹	۲۶	
زن	۱۹۰۰۰	۲۳۰۰۰	۲۶۰۰۰	۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	۱۰۰۰۰		متوسط نرخ کارگری در روز- ریال
مرد	۲۵۰۰۰	۳۰۰۰۰	۳۳۰۰۰	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۶۵۰۰۰	۷۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰		

تحقیقات صورت گرفته در منطقه حسین آباد بر روی صندوقهای خرد اعتباری بیانگر این واقعیت است که موفقیت زنان در ایجاد شغل بهتر از مردان بوده است و وام ها بر تنوع درآمد خانوار اثر مثبتی داشته و افزایش درآمد خانوار را بدنبال داشته است و تنوع درآمدی خانوار، کاهش آسیب پذیری خانوار را سبب شده است

بر اساس مطالعات و تحقیقات انجام شده بر روی صندوقهای خرد اعتباری پروژه ترسیب کربن مشخص می شود که در خصوص اشتغال زنان وامهای صندوقهای گروه در زمینه تامین هزینه های ازدواج خریده جهیزیه، هزینه های درمان و استفاده از کالاهای مصرفی کم دوام و بی دوام تهیه نهاده های کشاورزی مورد نیاز از قبیل کود، بذر، سم و تهیه ابزار آلات کشاورزی، علوفه مورد نیاز دام و غیره مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین یافته ها نشان میدهد که وامهای پروژه به راه اندازی کسب و کارهای خرد و موقتی منجر شده و موجب تنوع درآمدی خانوار و تا حدودی امنیت اقتصادی خانوارها را فراهم نموده است.

فعالتهای زنان قبل از گرفتن وام و تشکیل گروه شامل انجام کارهای مربوط به کشاورزی دامداری و صنایع دستی بوده است ولی بعد از گرفتن وام به فعالتهایی از قبیل قالی بافی، خیاطی، گلدوزی و عرق گیری پرداخته اند، وام گیری در بین زنان جوان و میانسال متفاوت است بطوریکه میان سال ها وام را به مصارفی از قبیل پروار بندی، گاوداری و پرورش مرغ بومی استفاده کرده اند و زنان جوان قالی بافی، خیاطی، گلدوزی، بافندگی با چرخ و عرق گیری سنتی را راه اندازی نموده اند.

در مجموع اگر بخواهیم نقش زنان روستایی را در توسعه پایدار روستا بیان کنیم می توان گفت:

نقش زنان در توسعه اگر بیشتر از مردان نباشد، کمتر از آنان نیست، زیرا از طریق انجام بخشی از کارهای مربوط به تولید محصولات کشاورزی و همچنین صنایع دستی نه تنها نوعی صرفه جویی در هزینه های خانواده را موجب می شوند، بطور غیر مستقیم نقش موثر و مثبتی بر درآمد خانوار روستایی نیز دارند.

مطالعات در منطقه نشان میدهد اکثریت زنان وام گیرنده از صندوقهای خرد اعتباری گروههای توسعه خود پس از دریافت وام به نظرات آنها در خانواده توجه بیشتری می شود. همچنین نشست های دو هفته ای گروههای توسعه به مکانی برای بحثهای اجتماعی پیرامون آموزش، بهداشت، کودکان، نیازهای ضروری، حفظ محیط زیست و غیره تبدیل شده است.

یکی از نیازهای مهم صندوق خرد اعتباری آموزش های فنی و حرفه ای در خصوص حسابداری مالی، سند نویسی و طرح نویسی است که می تواند در گسترش فعالیت های زنان نقش مهمی را ایفا نمایند. از سوی دیگر بدلیل فقدان قوانین مناسب و الگو بودن پروژه به لحاظ مالی، دسترسی زنان عضو صندوق به سایر شبکه ها و نهادهای مالی رسمی ایجاد نشده است.

بنابراین در شرایط موجود ظرفیت های مناسبی برای فراهم نمودن زمینه انتخاب و دسترسی به منابع وجود دارد و به نظر می رسد با تقویت ظرفیت های موجود میتوان به افزایش گزینه های انتخابی توسط زنان و دسترسی آنها به منابع کمک کرد.

از سوی دیگر هنوز تعداد قابل توجهی از زنان برای بازپرداخت وام به منابع خانوار وابسته اند و این می تواند به تسلط مردان تداوم بخشد. تعداد کمی از دریافت کنندگان وام که اغلب زنان سرپرست خانوار هستند از افزایش فشار بدهی ها بدلیل مشکلات بازاریابی و خشکسالی های چند ساله اخیر احساس نگرانی می کنند.

تحقیقات نشان می دهد توانمندسازی علاوه بر یک فرایند اقتصادی یک فرایند اجتماعی نیز می باشد. فعال سازی زنان در یک فرایند اجتماعی یعنی سازمان دهی بصورت گروهی و حضور منظم آنان در جلسات به عنوان اولین گام مثبت دارای اهمیت اساسی است.

نتایج نشان میدهد در حالی که صندوق های خرد اعتباری با استفاده از سیستم گروههای توسعه تا حد زیادی موانع توانمند سازی را کاهش می دهد نیازمند یک ارزیابی مداوم و توجه دقیق برای رعایت سازوکارهای مشارکت فعال مردم محلی می باشد.

از سوی دیگر بایستی به آموزش های فنی و حرفه ای در کنار پرداخت وام توجه بیشتری شود همچنین در شرایطی که هنوز ساز و کار مناسب اتصال به شبکه های رسمی مالی تعریف نشده است، لازم است آموزشهای اجتماعی برای اتصال گروه های زنان به شبکه ها و نهادهای اجتماعی رسمی برقرار گردد.

در اعطای وام باید به متغیرهای محیطی همچون زمینه های فعالیت روستاییان و درجه محرومیت و برخورداری آنها از ظرفیت های تولیدی توجه داشت چرا که ارائه وامهای تولیدی باید در بستری ارائه گردد که بیشترین بازدهی را در بر داشته باشد.

واگذاری زود هنگام صندوق ها یکی از عوامل فروپاشی است و بایستی با ارزیابی های صحیح از خوداتکایی صندوق ها اطمینان حاصل شود و تا زمان افزایش سرمایه اجتماعی اعضا بر کار آنها نظارت کنند.

۷- منابع و مواخذ:

- جعفری، بتول. تواناییهای مشارکتی زنان در فرآیند توسعه روستایی، ۱۳۸۸
- خاویز - پریا برونو، ترجمه مرضیه سلیمانی، ماه نامه اطلاعات حکمت و فلسفه، ۱۳۸۸
- دانشور، معصومه، توسعه چیست؟ ۱۳۸۶، برگرفته از سایت <http://www.aftabir.com>
- ر.ک. به بیس (دانیل - پلاک افرد)، انسان شناسی فرهنگی، ثلاثی (محسن)، ص ۴۷ - ۴۴.
- سیف اللهی، سیف الله، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، موسسه جامعه پژوهشی سینا، ۱۳۸۱
- عابدی، مهناز، نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی، ۱۳۸۸؛ وب سایت جامعه شناسی ایران
- مرکز تحقیقات علوم اسلامی CRCIS، نظریه های فمینیستی در جهان و ایران، ۱۳۸۸
- جایگاه زنان روستایی و موانع مشارکت آن ها در فرآیند توسعه، مجله دهاتی شماره ۳۴ تیر ماه ۱۳۸۵
- Esteva, Gustavo, (1992), Development in Sachs Wolfgang (ed), the develop dictionary , London.
- Gender and Culture - unesco - P: ۱۳۴.(۱۹۹۵)
- Reiffers, jean - Louis, (1993) , et al. Transnational corporations and endogenous development, Tehran: the publication Iranian national commission for UNESCO

- Van nieuwenhuijze, (1982), C.A.O , Development Begins at home.
- World Resource Institue(wri), ۱۹۹۴_ ۱۹۹۵. "world Resource Report: A Guide to the Global Enviromental" New York: Oxford university